

ادامه خشم گرفتن کاس بر رستم

غمی شد دل نامداران همه که رستم شیان بود و ایشان همه بگودرز گفتند کین کار تست شکسته بدست تو گردد درست سپید جز از تو سخن نشنود همی بخت تو زین سخن نغفود بنزدیک این شاه دیوانه رو و زین تر سر سخن یاد کن نو سخنهای چرب و دراز آوری مگر بخت گم بوده باز آوری سپیدار گودرز کشاور رفت بنزدیک خسرو خرامید تفت بکاس کی گفت رستم چه کرد کز ایران بر آوردی امروز گرد فراموش کردی ز هاماوران و زان کار دیوان مازندران که گوئی پهلوانی کردار گم که داری که با او بدست نبرد شود بر فشانند برو تیره گرد یلان ترا سر بسر گزدهم شنیدست و دیدست از بیش و کم همی گوید آن روز هرگز مباد که با او سواری کند رزم یار کسی را که جنگی چو رستم بود بیازارد او را خرد کم بود چو بشنید گفتار گودرز شاه بدانست کو دارد آیین و راه شیمان بشد زان کجا گفته بود بیپهردگی مغزش آشفته بود بگودرز گفت این سخن در خورست لب پیر با پند نیکوترست خردمند باید دل پادشا که تیزی و تندى نیارد بها شما را باید بر او شدن بخوی بسی داستانها زدن سرش کردن از تیزی من تپی نمودن بدو روزگار بپی چو گودرز برخاست از پیشی روی پس پهلوان تیز نهاد روی برفتند با او سران سپاه پس رستم اندر گرفتند راه چو دیدند گرد کم پیل تن همه نامداران شدند انجمن ستایش گرفتند بر پهلوان که جاوید بادی و روشن روان جهان سرسبز زیر پای تو باد همیشه سر تخت جای تو باد تودانی که کاس را مغز نیست تهنمت گن از زده گردد ز شاه بجوشد همانگه پشیمان شود بخوی سر باز پیمان شود گم گویا گن از زده گردد ز شاه هم ایرانیان را نباشد گناه هم او زان سخنها پشیمان شدست ز تندى بخاید همی پشت دست

از مسئولان محترم عاجزانه خواهش می‌کنیم که در مسئولیت‌هایی که بر عهده دارند اگر هم می‌خواهند میزبانی خاصی را روی آثار هنری اعمال کنند با «میزبانی‌های قانونمدار» و اصولی که بر اساس ضوابط نوشته شده و منطقی به صورت دستورالعمل مکتوب وجود دارد (اگر وجود داشته باشد) با هنرمند و هنر خلق شده‌اش مواجه شوند و او را قانع کنند که چرا اثر هنری‌اش باید مورد سانسور قرار بگیرد

وقوع پیوستنش همیشه یکی نیست. گاهی این دگرگونی باعث می‌شود که مخاطب و حتی هنرمند بپذیرد که آنچه که به عنوان میزبانی و سانسور به او خورانه شده واقعا منطقی است و او تا کنون اشتباه می‌کرده که طور دیگری می‌اندیشیده و به زندگی می‌نگریسته است، گاهی هم این دگرگونی به هیچ وجه منطقی و منطقی به مخاطب و هنرمند نمی‌رود و او راه دور شدن از فضای که هنر را پیش از آنکه بفهمند به قضاوت می‌نشینند، برمی‌گزیند و نتیجه‌اش این می‌شود که مثلا در رسانه ملی سالانه با ریزش انبوهی از مخاطبان و البته قهر هنرمندان مواجه می‌شویم که تلویزیون برای آنها خط مشی فکری تعیین می‌کند و آنها حاضر نمی‌شوند زیر بار پذیرش چنین اندیشیدنی بروند. در گزارش‌هایی که پیشتر در خصوص مسئله میزبانی (خاصه میزبانی‌های قانونمدار) به رشته تحریر درآورده‌ام همواره سعی مان این بود که بیان کنیم آنچه بیش از همه در این ماجرا صدمه مسئله همین است و از مسئولان محترم چه آنان که در حوزه آثار رسانه‌های تصویری فعالیت می‌کنند، چه آنان که در عرصه هنرهای نمایشی مسئولیتی بر عهده دارند و حتی آنان که در حوزه هنرهای نمایشی و آثار مکتوب فعالیت می‌کنند عاجزانه خواهش می‌کنیم که در مسئولیت‌هایی که بر عهده دارند اگر هم می‌خواهند میزبانی خاصی را روی آثار هنری اعمال کنند با «میزبانی‌های قانونمدار» و اصولی که بر اساس ضوابط نوشته شده و منطقی به صورت دستورالعمل مکتوب وجود دارد (اگر وجود داشته باشد) با هنرمند و هنر خلق شده‌اش مواجه شوند و او را قانع کنند که چرا اثر هنری‌اش باید مورد سانسور قرار بگیرد. اینگونه رفتار هنرمند هم منطقی تر است و هم به نتایج مطلوبتری منجر خواهد شد تا اینکه بایبیم با خود بگوییم: «حالا طوری که فکر می‌کنم درسته، هر طوری که با سلیقه‌ها هم (اعم می‌باشد حاضران و اثر هنری‌اش) مواجه می‌کنم و هم به (اعم از کارکنان زیر دست خود و هم‌میتور هنرمندان) باید با اون چیزی که من می‌خواهم و من منظورم خودشنو وفق بدن و باهوش کنار بیان» تجربه نشان داده که برخورد‌های سلیقه‌ای ممکن است در کوتاه مدت شرایط را بر وفق مراد یک فرد شکل بدهد اما مطمئنا هیچکس از این ماجرا خوشحال نخواهد بود و چنین رویکردی هم هرگز تاثیر عمیقی حداقل بر روی اکثر هنرمندان و مخاطبان نخواهد گذاشت، چرا که هنر مانند آب روانی است که حتی اگر کوه هم مقابلش سبز شود باز راه و مسیر خودش را پیدا کرده و به رفتن ادامه خواهد داد.

نقدی بر سخنان ناصر حسینی مهر پیرامون یک موضوع خاص در حوزه هنر آتش سانسور!



که همه ما می‌دانیم که دروغ گفتن کار درستی نیست و نباید آن را انجام داد اما این حال خیلی از ما مردم در طول روز بارها مرتکب این عمل ناپسند می‌شویم، جالب اینکه هر کسی هم از ما سوال می‌کند که چرا دروغ گفتی یا سرتیغی نوشتی و سینه‌های سستبر اعلام می‌کنیم: «مصلحتی بود» یعنی مصلحت من یا برخی افسرد دیگر اینگونه ایجاب می‌کند که در آن لحظه خناس واقعیت را به صورت وارونه و خلاف آنچه که وجود دارد نشان بدهم تا از گزندگی که ممکن است بعدا گریبان من یا فرد دیگری را بگیرد رهایی پیدا کنم. با این تفسیر این پرسش ایجاد می‌شود که آیا نمی‌توان «دروغ» گفت اما می‌توان «دروغ مصلحتی» گفت؟ منطقی اگر بنگریم در می‌بایم که اگر گفتن «دروغ مصلحتی» مشکلی نداشته باشد از این پس هر شخصی هر دروغی را که بخواهد می‌گوید برای اینکه مشکل شرعی هم نداشته باشد یک واژه «مصلحتی» مقابل «دروغ» می‌گذارد و می‌گوید: این دروغ را به خاطر مصلحت گفتم، بنابراین مشکلی ندارد. مسئله «میزبانی سلیقه‌ای» دقیقا چیزی شبیه همین است. تو به عنوان یک مدیر یا مسئول به این دلیل که فکر می‌کنی آنچه در ذهن تو شکل گرفته درست است و هیچ ایرادی ندارد، آن را به صورت یک دستورالعمل نانوشته به افرادی که تحت نظر تو فعالیت می‌کنند ابلاغ می‌کنی و می‌گویی پس از این اگر در آثار تصویری یا نمایش‌های صحنه‌ای با چنین موضوعی مواجه شدیدی این حق را دارید که آن بخش را از آن اثر هنری حذف کنید، اگر هم با اعتراض هنرمند صاحب اثر مواجه شدید خیلی راحت بیان می‌کنید که: «اگر می‌خواهی اثری که خلق کرده‌ای مجوز نمایش بگیرد باید این اقداماتی که ما مدنظر داریم را روی اثر هنری ات پیاده کنی تا ما اجازه انتشار آن را بدهیم، در غیر اینصورت با نمایش پخش اثر هنری‌ات موافقت نخواهد شد». جالبترین قسمت ماجرا آن است که دستورالعمل نوشتن اشتباهی که می‌خواهند به واسطه آن این هنر را مورد میزبانی قرار دهند شاید در ذهن فرد دیگری کاملا خنده دار باشد و او با خود بگوید: «این بخش که اینا می‌خوان سانسور کنن مشکلی نداره» حتی در نظر فرد مهم بخش دیگری از آن اثر هنری نیاز میزبانی داشته باشد که آن بخش در نگاه شخص اول که اکنون بر مسند مدیریت نشسته هیچ مشکل میزبانی نداشته باشد، این یعنی در دو برهه زمانی مختلف دو مدیر مختلف با دو سبک سلیقه‌های متفاوت درباره یک اثر هنری، دو نظر متفاوت دارند که اولی بخشی از اثر هنری مدنظر را نمی‌پسندد و خواهان حذف آن است و دومی همان بخش را می‌پسندد و اتفاقا قائل به این است که باید نمایش داده شود ... این همان «میزبانی سلیقه‌ای» است که ناصر حسینی مهر آن را بیان کرده است. «میزبانی سلیقه‌ای» بیش و پیش از آنکه قانونمدار باشد بر اساس دستورالعمل‌های نوشته شده بر روی

آفتاب یزد - یوسف خاکیان: چندی پیش ناصر حسینی مهر کارگردان تئاتر جمله جالبی را بیان کرده بود، جمله‌ای تفکربرانگیز با این مضمون: «میزبانی سلیقه‌ای بلایی بدتر از کروناست، وجود کرونا با طاعون و نظایر آن می‌تواند توجیهی برای اجرا نشدن تئاتر باشد ولی میزبانی ناروا در هنر توجیه‌ناپذیر است و باعث بیماری‌هایی مهلک‌تر از طاعون و کرونا در جامعه می‌شود». بارها درباره میزبانی قلمفرسایی کرده‌ام اما هیچگاه نتوانستم چنین تعبیر زیبایی را درباره مسئله میزبانی و سانسور بیان کرده و به رشته درآورم. هرچند که ما روزنامه نگاران و خبرنگاران هم مشمول ماجرای میزبانی می‌شویم و متن‌هایی که می‌نوسیم را یا خودمان مورد میزبانی قرار می‌دهیم و یا مقام بالادستی مان این کار را انجام می‌دهد اما با این حال نگارنده این گزارش معتقد است که به این دلیل که در حوزه نمایش و تصویر مسائل بیشتری مورد توجه مخاطبان قرار می‌گیرد ناچارا مسئله میزبانی و سانسور در این بخش‌ها حضور پررنگ‌تر خواهد داشت و دریای بیشتری از خود به جا خواهد گذاشت به همین دلیل است که اثر یک کارگردان در حوزه هنرهای نمایشی و یا در عرصه سینما و تلویزیون بیشتر مورد دخل و تصرف قرار می‌گیرد و همین امر موجب می‌شود که وی به این موضوع انتقاد بیشتری داشته باشد. اگر به جمله ناصر حسینی مهر توجه کنید یا چند نکته کلیدی مواجه می‌شوید که نشانه‌هایی را به ما می‌دهد که به موضوع میزبانی با نگاه ویژه‌ای نظر بیفکنیم. اولین مورد عبارت مرکب «میزبانی سلیقه‌ای» است، اولین مسئله‌ای که این عبارت در ذهن ما متبادر می‌کند این است که اساسا این کارگردان یا همکاران وی با خود موضوع میزبانی و سانسور زاویه فکری ندارند و به این امر قائل هستند که ممکن است بخشی از یک اثر هنری (حتی کوچک) بالاخره دارای مواردی باشد که برای همه اقشار مختلف جامعه مناسب نبوده و تاثیر مخربی داشته باشد، همه ما می‌دانیم که رسالت یک هنرمند به تصویر کشیدن معضلات و ناهنجاری‌های پیدا و پنهان در بطن جامعه‌اش است، اما این موضوع را هم می‌دانیم که نمایش هر موضوع تابویی هم برای همه اقشار جامعه درست نیست، پیش با افتاده‌ترین دلیل برای چنین ادعایی هم آن است که اینگونه قبیح یک موضوع ریخته شده و پس از آن، این امکان وجود دارد که امر ناپسندی که در یک اثر هنری به تصویر کشیده شده به بخش‌های دیگر جامعه هم تسری پیدا کرده و مردم دوباره شاهد رخ دادن آن باشند. این مسئله را باید خود هنرمندان هم قبول دارند اما با این حال باز هم در آثار هنری شان آن مسئله مورددار را به نمایش می‌گذارند. بدیهی است وقتی اثری در مقابل ناظران مستقر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا متولیان امر بازرسی آثار تصویری در رسانه ملی قرار می‌گیرد، به خاطر وظیفه‌ای که بر دوش دارند، خواه ناخواه جلوی انتشار آن صحنه خاص را می‌گیرند و اجازه پخش و نمایش آن را نمی‌دهند. این موضوع در تمام دنیا که بعضا از چارچوب اخلاقی خاصی هم برخوردار نیستند امری طبیعی تلقی شده و اجرا می‌شود. اما عبارت ترکیب خاصی که ناصر حسینی مهر بیان کرد برده از موضوع دیگری برمیآید که در اولین قدم مواجهه با آن متوجه می‌شویم که این موضوع در هیچ جای دنیا نه مرسوم است و نه صورت می‌پذیرد. «میزبانی سلیقه‌ای» در آثار هنری که توسط هنرمندان خلق می‌شود، خودست نوعی بدعت نامرسوم و البته اشتباه است که متأسفانه به دلیل اینکه در حال تکرار شدن توسط افراد مختلف است دارد به موضوعی روتین و عادی مبدل می‌شود. مثل این است

با تصویب «طرح صیانت از حقوق کاربران فضای مجازی» ۸۰ میلیون مجرم می‌سازید!

ادامه از صفحه ۲: قانونی که با شرایط روز جامعه همخوانی نداشته باشد مورد احترام قرار نمی‌گیرد و به حاشیه رانده می‌شود. وی تصریح کرد: در اوایل انقلاب استفاده از نوار کاست ممنوع بود و هر جا نوار کاست را می‌دیدند می‌گرفتند، پس از آن این مسیر برای دستگاه ویدئو و ماهواره نیز اتفاق افتاد اما چون قوانین در این خصوص برای جامعه سابق قابلیت اعمال و اجرا ندارند بنابراین از طرف مردم ترد شده و مورد احترام قرار نمی‌گیرد. در واقع ما در خصوص برخورد با تکنولوژی در کشور شاهد یک پروسه تاریخی از ناموفقیت‌ها هستیم.» این وکیل پایه یک دادگستری افزود: «این طرح با معیشت بخش زیادی از جامعه سروکار دارد و مورد پذیرش هیچ یک از احاد جامعه نیست، برخی فعالین سیاسی که تا دیروز صدایشان در خصوص تقویت فضای مجازی بلند بود حالا سکوت کرده‌اند و حتی می‌بینیم که رئیس مجلسی در روز تصویب آن به دلایل مختلف در مجلس حضور پیدا نمی‌کنند که نکته تنگ آن دامش را نگیرد. اما جالب است که بعد از تصویب طرح از آن دفاع می‌کنند! من به قطعیت می‌توانم بگویم که رئیس مجلس هیچ مطالعه‌ای بر روی طرح مطرح شده ندارد چرا که اگر مطالعه داشتند چنین خلاف بینی را نمی‌گفتند.» وی گفت: «اصل سووم قانون اساسی در بندهای مختلف بر این نکته تاکید دارد که دولت باید سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر را بالا ببرد. اصل ۹ قانون اساسی می‌گوید هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. به غیر از این‌ها خیلی اصول دیگر در قانون اساسی وجود دارد که طرح صیانت از کاربران در فضای مجازی آن را نقض می‌کند! ما اگر دادگاه قانون اساسی داشتیم الان می‌توانستیم از تصویب چنین طرحی شکایت کنیم چرا که هیچ کس نمی‌تواند زندگی روزمره مردم را در قالب عملیات مجرمانه تعریف کند.» احدی تاکید کرد: «یک قاضی که بعدها مشخص شد مجرم است و در حال حاضر هم در حال تحمل حبس است با فیلتر کردن تلگرام ۵۰ میلیون کاربر این ایلپیکیشن مجرم ساخت در حالی که مردم به کارشان می‌رسند و کاری به حکم قاضی ندارند! با تصویب طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی ۸۵ میلیون مجرم خواهیم داشت چرا که حتی محققی هم که در این فضا مشغول فعالیت و تحقیقات است هم در چنین شرایطی مجرم محسوب می‌شود. تکنولوژی مثل زهر است که کسی که این زهر را درست می‌کند پادزهرش را هم می‌سازد و با این روال هم برای فروش زهرش پول می‌گیرد و هم برای تجویز پادزهر. در اصل می‌خواهم بگویم همین فیلترینگ گسترده سبب شدت امروز ما شاهد مافیای فیلترشکن در کشور باشیم که روز به روز قیمت‌های فیلترشکن را افزایش می‌دهند و ما چاره‌ای جز استفاده از آن نداریم چون کارهای روزانه مردم به استفاده از این فیلترشکن‌ها گره خورده است.» او تصریح کرد: «مردم همگی از این وضع ناراضی هستند و فریخته و غیر فریخته هم ندارد. همه احاد جامعه نسبت به تصویب چنین طرحی معترض و ناراضی هستند چون کلیه کارهای روزمره مردم جامعه تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد. این طرح صرفا از ۸۰ میلیون مجرم کشور مجرم می‌سازد.»

آگاهی رای عدم قابلیت افراز

چون خانم مینا ربوبی وکیل خانم مهناز اخباری احد از مالکین مشاعی طبق درخواست وارده شماره ۵۵۲ مورخه ۱۴۰۰/۱/۱۸ تقاضای افراز سهمی موکل خود را از پلاک ثبتی ۳۵ فرعی از ۴۶۱۶ اصلی واقع در بخش ۶ تهران نموده واعلام داشته اند که آدرسی از دیگر مالک مشاعی به نام محمدرضا و بنول و مرضیه همگی اخباری و عنزا و علی و علی اصغر همگی رضایی در دست نمی باشد لذا پس از طی تشریفات قانونی در اجرای این نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع و با توجه به نظر کارشناسان این منطقه مبنی بر تعدد مالکین و قلت مساحت و با عنایت به نامه شهرداری منطقه ۱۲ تهران به شماره ۵۱۲۱۱/۱۳۸۱ مورخه ۱۴۰۰/۴/۱۶ که پلاک فوق غیر قابل افراز تشخیص داده شده لذا بدینوسیله رای صادره با مالک مشاع نامبرده فوق ابلاغ تا چنانچه اعتراضی به رای مذکور داشته باشند برابر ماده دو قانون افراز فروش املاک مشاع ظرف مهلت قانونی اعتراض خود را به دادگاه صالحه تقدیم نمایند. ۱۳۲۱۲ رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران

آگاهی رای عدم قابلیت افراز

چون خانم مینا ربوبی وکیل خانم مهناز اخباری احد از مالکین مشاعی طبق درخواست وارده شماره ۵۵۲ مورخه ۱۴۰۰/۱/۱۸ تقاضای افراز سهمی موکل خود را از پلاک ثبتی ۳۴ فرعی از ۴۶۱۶ اصلی واقع در بخش ۶ تهران نموده واعلام داشته اند که آدرسی از دیگر مالک مشاعی به نام محمدرضا و بنول و مرضیه همگی اخباری و عنزا و علی و علی اصغر همگی رضایی در دست نمی باشد لذا پس از طی تشریفات قانونی در اجرای این نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع و با توجه به نظر کارشناسان این منطقه مبنی بر تعدد مالکین و قلت مساحت و با عنایت به نامه شهرداری منطقه ۱۲ تهران به شماره ۵۱۲۱۱/۱۳۸۱ مورخه ۱۴۰۰/۴/۱۶ که پلاک فوق غیر قابل افراز تشخیص داده شده لذا بدینوسیله رای صادره با مالک مشاع نامبرده فوق ابلاغ تا چنانچه اعتراضی به رای مذکور داشته باشند برابر ماده دو قانون افراز فروش املاک مشاع ظرف مهلت قانونی اعتراض خود را به دادگاه صالحه تقدیم نمایند. ۱۳۲۱۲ رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران

جدول شماره ۶۰۷۵

Table with 15 columns and 15 rows containing numbers 1-15 and a grid of black and white squares.

پاسخ جدول شماره ۶۰۷۴

Table with 15 columns and 15 rows containing numbers 1-15 and a grid of black and white squares.

۱- با یگر فیلم "دنیا" - طرفی برای نفت ۲- زن زیارت کنند - به گرمای رفتن ۳- دوستی - چین و چروک پوست - ماه سرد - مبلغی در ازای جرم یا تخلف ۴- نزدیک مشهد - زیاکار - همسر زن ۵- بیماری جذام - دارای رفتار بسیار جدی - تنگی نفس - دو یار قد بلند ۶- نازیب - پادانان نرود کسی در این دنیا مسئول خوب کردن حال شما نیست - جزو مذهب اهل سنت داشتن ۷- ضمیر غایب - از ظروف آشپزخانه مخفف آسان پرداخت - ژرف اندیشی ۸- حالت بی‌قراری پیدا کردن بر اثر شادمانی بسیار ۹ - سخن بیهوده - یکنندگی - سلطان میوه‌ها - ویتامین ۱۰- انقضای ۱۰ - بندر اوکراین - جمیع ناموس - جمهوری خودگردان روسیه ۱۱ - پرنده شناگر - باقیمانده توانایی - چاهی در جهنم - توبه‌کننده ۱۲ - قلعه - حکومتی - پندو توصیه - اندیشه باطل ۱۳ - جدول‌ها - سلیقه - ورزش آبی - نان تو خالی ۱۴ - فرشته‌صویر - مدیریت ۱۵ - فرزند چهار پاییان - ریکآوری